

لبخندهای ۱۳۷۶، اشک‌های ۱۳۸۰

■ به نظر می‌رسد خاتمی تمایلی به نامزد شدن برای انتخابات ۱۸ خرداد نداشته و به اصرار دوستان و تکلیف بزرگان، قدم به این عرصه گذاشته است

■ این سخن که "اگر خاتمی نمی‌آمد، تمامی معادلات برهم می‌خورد" می‌تواند ترندهای قبلی و تصمیم‌گیری بعدی آقای خاتمی را توجیه کند

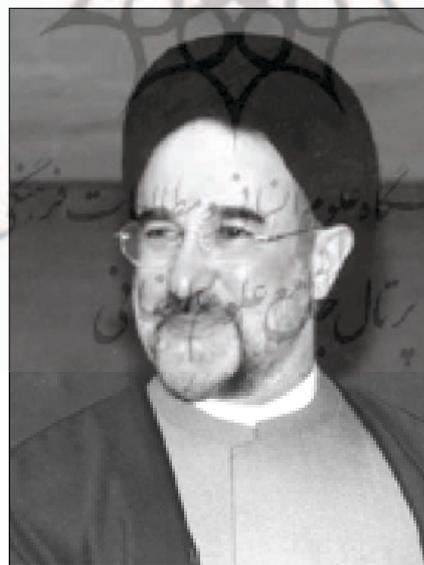
مختلف می‌رفت و در مجامع گوناگون از قانونمداری، جامعه مدنی، اصلاحات همه‌جانبه و دیگر مواردی که بازتاب تمایلات و آرزوهای اکثریت مردم بود، سخن می‌گفت؛ اما در سال جاری، او حتی در مقام رییس‌جمهور و در حیطه وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود نیز کمتر سخن می‌گفت و یا اگر می‌گفت، کوتاه می‌گفت.

وضع‌چنان بود که گزارش در مطلب "زیرچاپ" شماره گذشته خود نوشت: "... نوعی بلا تکلیفی و سردرگمی در مورد انتخابات ۱۸ خرداد آینده وجود دارد. شاید در سطوح بالای مدیریت کشور برنامه‌هایی در دست طراحی باشد که هم به این سردرگمی پایان دهد و هم موجبات برگزاری انتخابات آبرومند و پرشور را فراهم سازد..."

به نظر می‌رسد گمانه‌زنی گزارش در مورد انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ تا حدودی مقرون به واقعیت بوده است، زیرا برخلاف شواهد موجود، سرانجام خاتمی به میدان آمد و این آمدن را در لاف‌های جملاتی حساب شده، نوعی ادای تکلیف توصیف کرد. می‌توان حدس زد به دلیل شرایط موجود، یافتن شخصی که بتواند جایگزین خاتمی شود و با حضور خویش در انتخابات ۱۳۸۰ آن را پرشور کند و عده بیشتری را به پای صندوق‌های رأی بکشاند، میسر نشده و لذا سید محمد خاتمی با اصرار دوستان خود و اعضای مؤثر گروه‌های دوم‌خردادی از یک سو و تکلیف بزرگان از سوی دیگر، سرانجام به مشارکت در این انتخابات رضایت داده است.

خاتمی در روز سوم از مهلت پنج‌روزه نام‌نویسی برای شرکت در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۰)، به میدان آمد و هنگام ثبت نام با

است، مسئولیتی سخت و دشوار اما پرافتخار که ملت بر عهده ام گذاشته است، تقدیم ملت می‌دارم. اعلام می‌دارم که این دوران به پایان خویش نزدیک می‌شود: به پایان آمد این دفتر/ حکایت همچنان باقی است..." سکوت خاتمی در فروردین و اوایل اردیبهشت امسال، عدم حضور او را در انتخابات جدی‌تر می‌کرد. مردم به یاد



سید محمد خاتمی در بهار ۱۳۷۶ با لبخند سخن گفت و برای احراز پست ریاست جمهوری ثبت نام کرد

می‌آورد، که در سال ۱۳۷۶ خاتمی در هفته‌های پیش از انتخابات، سخنرانی‌های متعددی که با لبخندهای مخصوص او همراه بود، ایراد می‌کرد، به استان‌های

کسانی که پیام نوروزی سید محمد خاتمی را به یاد دارند، هنوز هم بر این باورند که فرازهای پایانی آن پیام بدرودگویی دیپلماتیک بود. مضمون همان پیام، تحلیل‌گران داخلی و خارجی را به این نتیجه رساند که آقای خاتمی به دلیل آنچه که خود وی بحران آفرینی ۹ روزیکبار در طول دوران تصدی در مقام ریاست جمهوری نامیده بود، و آن را عامل اصلی عدم تحقق اصلاحات مورد نظرش می‌دانست، از حضور در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ و کوشش در راستای تصدی مقام ریاست جمهوری برای دور دوم، خودداری خواهد کرد.

رویدادهای بعدی نیز سبب قوت یافتن این فرض شد. صرف‌نظر از عده‌ای از اعضای گروه‌های دوم‌خردادی، بقیه صاحب‌نظران با استناد به آن پیام نوروزی و رویدادهای بعدی، ابراز عقیده می‌کردند که "خاتمی نخواهد آمد".

تعطیل چند نشریه جدید، بازداشت عده‌ای از فعالان سیاسی، احضار برخی از نمایندگان مجلس به دادگاه، محکومیت تاج‌زاده، معاون وزیر کشور و مسئول برگزاری انتخابات، نامه معروف و زینهار دهنده آقای محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موضع‌گیری علنی برخی از شخصیت‌های منتقد علیه رییس‌جمهور و ده‌ها رویداد دیگر، عواملی بودند که تلقی از فرازهای پایانی پیام نوروزی آقای خاتمی را به عنوان خدا حافظی جدی‌تر جلوه می‌دادند. به یکی از آن فرازها نگاهی دوباره می‌اندازیم:

"... من این افتخار را دارم که چهارمین پیام خویش را و عرض ادب خویش را به پیشگاه ملت در چهارمین بهاری که دوران مسئولیت سنگین برای من بوده

سخنانی اشک آلود گفت: «دستاوردهای مهمی داشتیم، عده‌ای از رهگذار این دستاوردها، هزینه‌های زیادی پرداختند. خیلی از افراد آسیب دیده‌اند و بسیاری دیگر در آستانه آسیب دیدن قرار دارند... خیلی چیزها می‌توانستیم به دست بیاوریم و نیاوریم. خیلی چیزها را باید به دست بیاوریم.» و آنگاه آبروی خود را که سرمایه اندکی در پیشگاه ملت دانست، در طبق اخلاص نهاد و گفت: «یا علی مدد»

آمدن برای برهم نوردن معادلات

توجه به برخی رویدادها و اظهار نظرهای می‌تواند چگونگی حضور خاتمی در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ را تا حدودی مشخص کند:

خانم زهرا اشراقی، نوه حضرت امام (ره) و همسر دکتر محمد رضا خاتمی، می‌گوید: «بغضی که مدت‌ها در گلو مانده بود باید می‌شکست و شکست... این بغض در گلو مانده، ناشی از این بود که حس می‌کردند آنچه می‌خواهند نمی‌توانند برای مردم انجام دهند. چهار سال قبل خیلی از ماها مخالف نامزدی آقای خاتمی برای ریاست جمهوری بودیم و به ایشان می‌گفتم که او ضاع مناسب حضور شما نیست. هرچند که بعد دیدیم نه، این طور نیست و آقای خاتمی باید حتماً می‌آمدند ولی این بار زمانی که هنوز حرف از آمدن یا نیامدن ایشان بود، گفتم که به عهده خودتان نیست که بگویید می‌آیم یا نه. مردم باید برای شما تصمیم بگیرند. اگر فکر می‌کنید توانسته‌اید به همه شعارهایتان جامه عمل بپوشانید، می‌توانید نیاید ولی اگر فکر می‌کنید هنوز نتوانسته‌اید به تمام آنها عمل کنید، باید پمانید.» (روزنامه نوروز ۲۶/۸۰)

اگر چه به نظر می‌آمد که تردید خاتمی به دلیل نهادینه نشدن دستاوردها و یا توفیق نداشتن در اجرای برنامه‌هایش بود، اما مخالفان تردیش می‌گفتند که این یک تاکتیک انتخاباتی برای کسب محبوبیت و آرای بیشتر است. آنگونه که حتی محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در نامه‌ای سرگشاده، او و دولتش را «میزبان منتظری» خطاب کرد تا مهمانان که سایر کاندیداها هستند از راه برسند. او که پیش از نام نویسی رسمی کاندیداها برای انتخابات ۸۰، آمادگیش را برای نامزدی اعلام کرده بود، به ناگاه پس از انتشار این نامه، از آنجا که «فضار افضای نقد ندانست، انصراف داد.»

محمد رضا باهنر، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره پنجم و از اعضای جمعیت مؤتلفه، نیز معتقد بود که «جناح حاکم استراتژی انتظار را به عنوان یک ریکرد تبلیغاتی برگزیده است.»

اما هم‌راهانش همچون محمد رضا خاتمی، نایب رییس مجلس شورای اسلامی و دبیرکل جبهه مشارکت اسلامی، نظریه دیگری داشتند: «باتوجه به شناختی که از صداقت آقای خاتمی دارم، به هیچ وجه احساس نمی‌کنم که بحث تردید، یک تاکتیک از سوی ایشان در برابر رقیبان و برای تأثیرگذاری بر مشارکت و آرای مردم باشد. مسأله اصلی برای ایشان، این است که مردم تمایل داشته باشند، این راه تداوم یابد.»

راه چمنی، عضو شورای سیاستگذاری روزنامه همبستگی و نماینده سابق مجلس، نیز معتقد بود که تردید خاتمی به دلایل شخصی، آن هم به علت مشکلاتی بود که



خاتمی در بهار ۱۳۸۰ با آندوه و خستگی برای ثبت نام به ستاد ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری رفت و بغض او در همین جا ترکید

بر سر راه تحقق خواست‌های مردم وجود داشت. خاتمی هنگامی تردیدزدایی کرد که درخواست‌های ابرای حضورش او ج گرفت و به نظر، بی‌رقیب‌ترین نامزد برای این دوره از انتخابات آمد. چه حتی تشکل‌های شناخته شده جناح همیشه منتقدش، همچون جمعیت مؤتلفه و روحانیت مبارز که حضور خود را در انتخابات به طور تلویحی منوط به برکناری تاج‌زاده، معاون سیاسی-امنیتی وزیر کشور، از ریاست ستاد انتخابات کرده بودند، برای آنکه عدم حضور خود را در این انتخابات به صورت رسمی عینیت نبخشند، حتی با انفصال تاج‌زاده از خدمت، از معرفی رسمی کاندیدا، امتناع و تنها به احتمال اعلام حمایت یکی از نامزدهای «اصح» بسنده کردند.

آمدن خاتمی با تعدد و تکثرهای اولیه رقیبان مواجه شد. آنگونه که شمارگان نامزدها در نام نویسی که به تعبیر

آقای جنتی - دبیر شورای نگهبان - «متأسفانه از هر قماشی» وارد گود رقابت شده بودند، به ۸۱۴ رسید. اگرچه تعدد و تکثر کاندیداها نشان از نهادینه نشدن سیاست دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی داشت، اما حرف و حدیث‌های فراوان را به دنبال آورد. آنجا که الهه کولایی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، کاهش آرا را استراتژی مخالفان اصلاحات دانست و راه چمنی نیز آن را از نشانه‌های توسعه سیاسی و فضای باز سیاسی و تقویت حس مشارکت جویی مردم قلمداد کرد و آن را به فال نیک گرفت. یک نفر هم از جناح همیشه منتقدش گفت که این تکثر نامزدها، برنامه‌ای برای افزایش هزینه شورای نگهبان در رد صلاحیت هاست. محمد رضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت، آن را نشان از نوعی بیماری مزمن سیاسی دانست و عباس عبدی هم تعدد رقبا را در راستای شکستن آرای خاتمی توصیف کرد. اما حرف‌های زهرا اشراقی، نوه حضرت امام، جالب تر بود: «این از یک سو خوب... و از سوی دیگر، یک نقطه ضعف است. در کشورهایی که احزاب نهادینه شده‌اند، این حزب است که برنامه می‌دهد، کابینه معرفی می‌کند و رییس جمهور کاندید می‌نماید. مردم هم به این برنامه رأی می‌دهند و از آنجا که عملکرد احزاب مشخص است با شناخت کامل پای صندوق‌های رأی می‌روند. اما در کشور ما، در چنین شرایطی در طی پنج روز شورای نگهبان باید صلاحیت ۸۱۴ نفر را بررسی کند و مردم هم طی یکی دو هفته تبلیغات، کسانی را بشناسند و به آن‌ها رأی بدهند.» (روزنامه نوروز ۲۶/۸۰)

اما، آن‌ها به همراه خاتمی پس از غربال شدن توسط شورای نگهبان، ده نفر شدند که دو نفرشان از اعضای دولت (علی شمخانی، وزیر دفاع و سید محمد هاشمی طباطبائی، رییس سازمان تربیت بدنی) و هفت نفر دیگر (سید منصور رضوی، احمد توکل، عبدالله جاسبی، سید شهاب‌الدین صدر، حسن غفوری فرد، علی فلاحیان، سید محمود مصطفوی کاشانی) برای جلوگیری از ریزش آرایشان با عنوان مستقل و با امتناع از انساب به جناحی خاص بودند. آقای راه چمنی در مورد حضور آقای خاتمی در انتخابات هشتمین دوره گفت که حضور ایشان برای نهادینه کردن سیاست‌های اعمال شده و برنامه‌های نیمه تمام، یک ضرورت بوده است.

دکتر طه هاشمی مدیرمسئول روزنامه انتخاب، نیز می‌گفت که اگر خاتمی نمی‌آمد، تمامی معادلات بر هم می‌خورد.

این سخن آقای طه هاشمی می‌تواند شاه کلیدی باشد که هر کس با آن بتواند خود معمای تردید طولانی خاتمی و تصمیم‌گیری‌اش را برای کاندیدا شدن، حل کند.